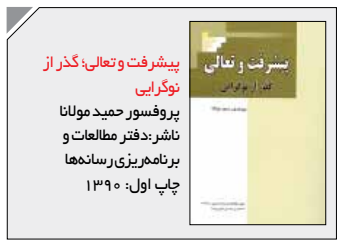
این‌سوی آب

تصویر گسترده‌تر دگرگونی جامعه



پیشرفت و تعالی؛ گذر از نوگرایی
پروفسور حمید مولانا
ناشر: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها
چاپ اول: ۱۳۹۰

■ دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری بنیاد فرهنگی مولانا، کتاب پیشرفت و تعالی، گذر از نوگرایی را در سال ۱۳۹۰ روانه بازار کتاب کرده است. پروفسور حمید مولانا در مقدمه کتاب هدف این اثر را چنین بیان می‌کند: «هدف این کتاب نفی نوگرایی در راستای تجلیل از فرانوگرایی نیست. در این اثر به نوگرایی به مثابه بخشی از تصویر گسترده‌تر دگرگونی جامعه نگریسته می‌شود. در این اثر طیف گسترده‌ای از دیدگاه‌های علمی و تجربی در گستره وسیع پدیده ارتباط و توسعه ترکیب می‌شوند.»

این کتاب چاپ دوم و ویراست دوم از کتابی است که پروفسور مولانا در سال ۱۹۹۰ میلادی آن را نگاشته است. در چاپ و ویراست دوم کتاب پیشرفت و تعالی، تغییراتی در محتوای کتاب داده شده که به گفته حمید مولانا متناسب با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی در جهان امروز است. بنابراین بخش‌هایی از ویراست اول حذف شده و بخش‌هایی نیز به آن اضافه شده است. این کتاب دارای دیدی تحلیلی و انتقادی به نظریه‌های ارتباطات و توسعه است که تحولات و دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیم قرن گذشته و توسعه فناوری‌های جدید را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است.

پرهیز از روزمرگی



سوژه‌یابی در رسانه‌های خبری
علی قمشی
ناشر: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها
چاپ اول: ۱۳۹۰

■ کتاب سوژه‌یابی در رسانه‌های خبری، کتابی است که به صورت حرفه‌ای و کاملا تخصصی به مبحث سوژه در رسانه‌ها پرداخته است. علی قمشی نویسنده کتاب، این بخش از روزنامه‌نگاری که نخستین مرحله از کار خبر است را چنین معرفی می‌کند: «سوژه‌یابی در رسانه‌های خبری، تلاش در جهت پرهیز از روزمرگی و رسیدن به نگاه خلاقانه و یافتن نادیده‌هاست...»این کتاب در شش فصل تنظیم شده و علی قمشی در آن، سوژه‌یابی را حرکت کاوشگرانه ذهن خبرنگار برای ورود به اولین مرحله کار خبری می‌داند و معتقد است این بخش از خبر از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است.

کتاب سوژه‌یابی در رسانه‌های خبری، توسط دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد به چاپ رسیده است. این کتاب در سال ۱۳۹۰ و با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و با قیمت ۲۵۰۰ تومان به بازار کتاب عرضه شده است.

ما اخراج شدیم و...



ما اخراج شدیم
هاروی مک‌کی
ترجمه: آرمین هدایتی
ناشر: کتاب پارسه
چاپ اول: ۱۳۹۰

■ کتاب جدید هاروی مک‌کی، نویسنده برگزیده نیویورک‌تایمز و صاحب اثر پرفروش شنا با کوسه‌ها توسط نشر کتاب پارسه منتشر شده است. این کتاب از سوی هاروی مک‌کی به میلیون‌ها انسانی که در سراسر دنیا به عناوین مختلف از کارشان اخراج شده‌اند، تقدیم شده است. در این کتاب که با ترجمه آرمین هدایتی منتشر شده است، با تجربه‌های خود نویسنده و شخصیت‌های مشهوری مانند محمدعلی کلی (قهرمان مشت زنی) رابرت ردفورد (بازیگرهالیوود) لری کینگ (گزارشگر مشهور) و... آشنا می‌شوید که همگی تجربه تلخ اخراج از کار را به تجربه‌ای شیرین و مایه ترقی بدل کرده‌اند. «ما اخراج شدیم» هم سوژه جالب توجهی دارد و هم از زبانی روان بهره می‌برد. نویسنده هیچ‌گاه تلاش نمی‌کند مخاطب را نصیحت کند و او را با ترفندهای نخ‌نماشده‌ای چون تلقین و احساسات‌گرایی به استقبال پدیده ناخوشایند اخراج شدن ببرد. جالب اینجاست که‌هاروی مک‌کی روایت اخراج خودش را هم تعریف می‌کند و می‌گوید از سال ۱۹۸۸ با فروش بیش از ۲۰ میلیون جلد کتاب در سراسر جهان، نه تنها خاطره اخراج‌شدنش را از یاد نبرده بلکه آن را خوش‌یمن و دلیل پیشرفتش می‌داند. شما در این کتاب با وضعیت اشتغال و فراز و نشیب‌های آن آشنا می‌شوید. با افرادی که یکباره و بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای از کارشان اخراج شدند. افرادی که در جریان روند اخراج‌شان قرار داشتند، اما کاری از دست‌شان برنمی‌آمد. افرادی که ابتدا متهم به خیانت و سپس از کار بیکار شدند. افرادی مسن یا جوان و زن یا مرد که عذرشان خواسته شد بی‌آنکه بدانند چرا. افرادی که... این کتاب روایت‌هایی واقعی و خواندنی را از چهره‌های سرشناس جهان بازمی‌گوید و با همه اخراجی‌های شرافتمند و مایل به پیشرفت هزاران حرف و نکته دارد.

نیم‌نگاهی به اسطوره‌شناسی در ایران

اسطوره‌ها روی خط موازی



سوگند علیخواه

وقتی سخن از اسطوره به میان می‌آید، ذهن به سمت قصه‌ها و افسانه‌هایی می‌رود که در زیرساخت‌های فکری و فرهنگی هر ملتی آرمیده‌اند. اسطوره به زبان عربی به معنای قصه است و اگر بخواهیم این واژه را بر مبنای علم میتولوژی (Mythology) و آنچه امروز از آن به عنوان علم اسطوره‌شناسی یاد می‌شود، تحلیل کنیم، می‌توان آن را به عنوان شاخه‌ای از علوم انسانی جدید مورد بازخوانی قرار داد که رویکرد اصلی آن مبتنی بر اثبات علمی و تقریبا آزمون‌پذیر چند نظریه کلان از جمله وحدت زبان‌ها، روانشناسی ملل، ساختارشناس ی ادیان و... است. باری از دید اسطوره‌شناسی تا زمانی که چیزی از حرکت بازنایستد، قابل آزمون و احراز نیست؛ البته اسطوره معنای دیگری نیز دارد که نخستین بار در تحقیقات روان‌شناس سوییسی کارل گوستاو یونگ مطرح شد. او ناخودآگاه را از حد کودکی فرد به کودکی اجداد بشر و فرهنگ بشری تعمیم داد؛ به طوری که مهم‌ترین تعاریف از روان‌شناسی قصه و ادبیات عامه امروز به نوعی وامدار زحمات اوست. باری در طی این سال‌ها، کتاب‌های اسطوره‌شناسی از جمله آثاری به شمار می‌آیند که با اقبال شایانی مواجه شده‌اند و اگر بخواهیم تلاش‌های دکتر جلال ستادی، اسطوره‌شناس معاصر ایرانی را که هرازگاهی در تحلیل یکی از شخصیت‌های اسطوره‌ای ایران و جهان، اثری درخور می‌نویسد، از جمع کتاب‌های دیگر در این حوزه برگیریم، تعداد آثار باقیمانده تالیفی به شمار انگشتان دست هم نمی‌رسد. باری در این مجال رویکرد اصلی گزارش حاضر بازخوانی وضعیت پژوهش در این حوزه میان‌رشته‌ای در جغرافیا و فرهنگی است که به نوعی با اسطوره‌های بی‌شمار عجین شده، اما هنوز کوشش مستمری در تالیف آثاری برای این دست بازخوانی‌ها صورت نگرفته است.

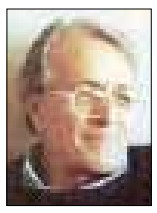
یک نگاه تاریخی

اگر قرار باشد با یک نگاه تاریخی، سیر ورود اسطوره‌شناسی در جهان را با آرای کروتزر در اواخر قرن هجدهم آغاز کنیم، ناگزیر خواهیم شد این تاریخ ۲۰۰ ساله را در مورد ایران با تاخیر ۱۵۰ ساله بررسی کنیم. به گفته دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور، اسطوره‌پژوهی به معنای میتولوژی در ایران اساسا با کتاب «اساطیر ایران» دکتر مهرداد بهار آغاز شد. او تلاش می‌کند تا یک سیر تاریخی از اسطوره‌پژوهی و اسطوره‌شناسی به دست دهد. به باور دکتر اسماعیل‌پور تا پیش از بهار، اساسا مبحث میتولوژی در ایران شناخته شده نبود و اگر اشارت نیما یوشیج را که در نقد شعر و تاثیر و تاثر شعر از اساطیر باستان اشاره کرده کنار بگذاریم اساسا تلاش دکتر احمد بهمنش در برگردان کتاب «فرهنگ اساطیر یونان و روم باستان» به عنوان اولین تلاش در معرفی این علم به شمار می‌آید. دلیل اصلی برگردان و ترجمه این کتاب به باور نویسنده کتاب «اسطوره بیان نمادین» نیاز به فهم اساطیر غربی به دلیل ترجمه آثار ادبی غربی بود. به طوری‌که در آن دوره به دلیل ورود آثار ادبی (داستان و شعر) غربی به ایران به فرهنگی نیاز بود تا مخاطب بتواند با استناد به آن، با اساطیری که در آن داستان‌ها و اشعار اشاره شده بود آشنا شود، اما نگاه جدی به اسطوره‌شناسی با کتاب «اساطیر ایران» دکتر مهرداد بهار آغاز می‌شود و یک مبحث مستقل در حوزه انسان‌شناسی شکل می‌گیرد البته در همین دوره کتاب «بت‌های ذهنی و خاطره ازلی» سعی دارد تا یک معرفی از اسطوره، به دست دهد. اما تلاش اصلی در حوزه اسطوره‌پژوهی به گفته اسماعیل‌پور پس از انقلاب اسلامی با زحمات دکتر جلال ستاری شکل می‌گیرد و به نوعی می‌توان ستاری را نقطه تحول اسطوره‌شناسی در ایران معرفی کرد.

اسطوره‌شناسی در جهان اسلام

اساسا پیش‌فرض‌های پژوهش در اسطوره‌شناسی در ایران مبتنی بر چه نظریه‌هایی است؟ برای پاسخ به این پرسش به‌زعم علی طهماسبی باید نگاهی کل‌نگر پیش گرفت چراکه به باور وی اساسا در کشور ما پیش‌فرض‌های پژوهش در حوزه اسطوره‌شناسی مبتنی بر آرای غربیان است. او این امر را ناظر بر تاثیر ترجمه‌های موجود در این عرصه می‌داند اما بر این باور است که توجه غربیان به مفاهیم و مضامین اسطوره‌ای با مسلمانان متفاوت است. به گفته این آیین‌پژوه، مسلمانان به مفاهیم اسطوره‌ای با منظری واقع‌گرایانه می‌پردازند به‌طوری که از نگاه مسلمانان هر نماد اسطوره‌ای کارکرد واقعی داشته است. به گفته او همچنین در جهان کنونی، مسلمانان مصر و ایرانیان بیشتر و نواندیشانه‌تر از دیگر ملل مسلمان به مضامین اسطوره‌ای توجه داشته‌اند. به گفته طهماسبی رویکرد اندیشمندان مصر ناظر بر مضامین ادب جاهلی است اما در ایران پژوهشگران اسطوره با بهره‌گیری از قواعد کار و کسانی چون ارنست کاسیرر و کارل گوستاو یونگ و ... گاهی بیشتر نهاده و به مضامین متون تاریخی خود نیز با رویکرد اسطوره‌شناسی نگریسته‌اند. پرسش کماکان باقی است. در حوزه اسطوره‌پژوهی تلاش‌هایی مبسوط شکل گرفته اما آیا این تلاش‌ها در بحث اسطوره‌شناسی به شکل مبسوطی جمع‌بندی شده و شکل صورت‌بندی جامعی به خود گرفته است؟ این پرسش به‌زعم عباس مخبر جای بحث دارد چرا که به‌زعم وی ما باید یک سیر تاریخی در این حوزه داشته باشیم و برای ورود به مبحث اسطوره‌شناسی ابتدا باید با تئوری‌های موجود آشنا شویم. به گفته این مترجم کتاب‌های اسطوره‌شناسی، ما هنوز آنچنان که شایسته است به تولید علم در ایران آن هم در این حوزه نرسیده‌ایم و باید این موضوع را بیشتر مورد مطالعه قرار دهیم. البته این موضوع به گفته مخبر، به معنای نادیده گرفتن تلاش‌های صورت‌گرفته در حوزه اسطوره‌پژوهی نیست. او معتقد است که ما نیازمند ترجمه و برگردان کتاب‌های پایه و زیربنایی هستیم و باید به ادامه این راه امیدوار باشیم.









زمینه اسطوره‌پژوهی در ایران



میرجلال‌الدین کزازی

به کوتاه سخن چنین می‌توان گفت که ما در اسطوره‌شناسی هنوز در آغاز راه هستیم، زیرا چندسالی بیشتر نیست که به شیوه‌های سنجیده و درست و دانشورانه به اسطوره پرداخته و اندیشیده‌ایم. هنوز کم نیستند کسانی- حتی در میان فرهیختگان و دانش‌آموختگان- که دید و داوری‌شان درباره اسطوره، همان داوری و دید کهن است و اسطوره را با اندیشه‌هایی بی‌مایه، پندارهای خام و افسانه‌های بی‌سروبن کودکانه یکسان می‌دانند. از همین رو جای شگفتی نیست اگر ما هنوز در دانش اسطوره‌شناسی در آغاز راه هستیم. یک نشانه برجسته و پرمعنا در این زمینه آن است که ما هنوز در دانشگاه‌های ایران حتی درسی در اسطوره‌شناسی نداریم چه رسد به اینکه رشته‌ای در این دانش سامان داده شده باشد. اگر به این دانش می‌پردازیم به‌گونه‌ای وابسته به برگردان هستیم و هنگامی که متن نمادین و اسطوره‌ای درس گفته می‌شود به اسطوره‌شناسی هم می‌پردازیم. درباره کتاب‌هایی هم که در این زمینه به چاپ رسیده است آمار درستی ندارم، اما می‌انگارم که ۷۰، ۸۰ درصد، برگرداندن کتاب‌هایی است که اسطوره‌شناسان باخترینه نوشته‌اند به‌گونه‌ای که شاید کتاب‌هایی که در این زمینه دانشوران ایرانی نوشته‌اند و منتشر شده، به شمار انگشتان دست نرسد. این است که ما هنوز نیاز به زمان داریم تا بتوانیم در این دانش، رای‌مند و اندیشه‌ورز شویم و آوازه‌ای در جهان بیابیم، زیرا که همه فرهنگ‌ها و مردمانی که پیشینه‌ای دیرینه در جهان دارند از فرهنگ اسطوره‌گر برخوردارند. اسطوره‌های ایرانی هم در شمار کهن‌ترین و مایه‌ورترین سامانه‌های اسطوره در جهان است؛ از آنجاست که بخش گسترده‌ای از ادب پارسی بازبسته به این زمینه فرهنگی است. اگر بخواهیم دو زمینه در ادب پارسی نشان بدهیم که بیشترین و پایدارترین کارکرد را داشته‌اند، یکی اسطوره و حماسه است و دیگر نهان‌گرایی و رازورزی و عرفان و پیشینه سروده‌ها و نوشته‌های پارسی در این دو زمینه است.

گفت‌وگو با خجسته کیهان مترجم «شبانه‌ها»

هیچ وقت کتاب ترجمه‌ای نمی‌خوانم

پدرام اسدی

خجسته کیهان پس از ترجمه آثاری از پل استر و ویرجینیا وولف سراغ دو نویسنده برجسته دنیا رفت که در ایران هم خوانندگان بسیاری دارند. یکی ماریو بارگاس یوسا که شهرتی دوچندان و سابقه‌ای دیرینه‌تر دارد و دیگری نام کازوئوایشی گورو که در چند سال اخیر بر سر زبان‌ها افتاده است. چندی است که رمان‌های «دختری از پرو» نوشته یوسا و مجموعه داستان «شبانه‌ها» از ایشی گورو با ترجمه خجسته کیهان توسط انتشارات کتاب پارسه به بازار کتاب آمده و مورد استقبال قرار گرفته است. این گفت‌وگو شما را در جریان حال و هوای این دو کتاب و برداشت‌های شخصی مترجم از دو نویسنده مطرح جهان قرار می‌دهد.

■■■

می‌گویند خانم خجسته کیهان خیلی پرکار است. به نظر شما هم همین‌طور است؟

شاید اگر بگویم بقیه کم کارند کم لطفی به دوستان باشد. ولی من اصلا خودم را پرکار نمی‌دانم. به خصوص سال گذشته که خیلی کم کار کردم و فقط «شبانه‌ها» از ایشی‌گورو و دختری از پرو از «ماریو بارگاس یوسا» را منتشر کردم. اخیرا هم «تاریخچه مردگان» از من چاپ شده و به تازگی ترجمه کتاب «ناامیدی» ولادیمیر نابوکوف و مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه ویرجینیا وولف را تمام کرده‌ام.

روزی چند ساعت کار می‌کنید؟

من برای خودم برنامه کار دارم. به نظم خیلی اعتقاد دارم و سر یک ساعت به اتاقم می‌روم و شروع به کار می‌کنم. ضمن اینکه ساعاتی را هم به خواندن اختصاص می‌دهم که آن هم جزو کارمان محسوب می‌شود.

بیشتر به چه ادبیاتی علاقه‌مندید؟ ادبیات کدام کشور یا نویسنده.

من فقط ادبیات ترجمه می‌کنم. آن هم ادبیات معاصر. یوسا را خیلی دوست دارم. پل استر و ایشی گورو و ناباکوف را هم خیلی دوست دارم.

«شبانه‌ها» ایشی گورو را از چه زبانی برگرداندید؟

از انگلیسی. او خودش به انگلیسی می‌نویسد. می‌دانید که از پدر و مادری ژاپنی به دنیا آمده ولی از کودکی به انگلستان رفته و در حال حاضر هم ساکن لندن است. نویسنده‌ای است که در همه جا شهرت دارد. چون آثارش با مسایل انسانی سروکار دارد و به فرهنگ و ملیت خاصی محدود نمی‌شود. او معمولا به زندگی آدم‌هایی توجه می‌کند که به سال‌های میانی عمر رسیده‌اند و گذشته را یادآوری می‌کنند و در جست‌وجوی معنا هستند. آدم‌هایی که با اشتباه‌هایشان روبه‌رو می‌شوند و پی می‌برند در گذشته چه توهماتی داشته‌اند.

در ابتدای کتاب آمده که این داستان‌ها درباره شب و موسیقی است. آیا این اشاره در متن اصلی هم وجود دارد؟ یعنی نویسنده از پیش قصد داشته داستان‌هایی با این مضمون‌بنویسد؟

به نظر می‌آید که همین‌طور باشد. او داستان‌ها را با دو هدف نوشته است. بیشتر آنها درباره موسیقی است و اغلب در شب می‌گذرد.

کمی درباره حال و هوای داستان‌ها بگویید. ایشی گورو در این داستان‌ها از عشق و روابط عاطفی گرفته تا تنهایی و سفر سخن گفته است.

خیلی‌ها در وصف ایشی گورو گفته‌اند که او موسیقیدان غمگینی است که به ادبیات روی آورده. در خانه‌اش پیانو، گیتار و آلات موسیقی دارد. او اصلا دلش می‌خواسته موسیقیدان شود. بنابراین آنچه در داستان‌هایش درباره موسیقی می‌گوید، عجیب نیست. در داستان «آوازه‌خوان» با شخصیتی روبه‌رو می‌شویم که خودش نوازنده گیتار است و از بچگی به واسطه علاقه مادرش شیفته یک خواننده آمریکایی بوده. این آمریکایی سالخورده فرهنگ خود را دارد و این نوازنده که متعلق به اروپای شرقی است، روحیاتی دیگر دارد. او در فضای فرهنگی بسته و محدودی رشد کرده که کسی در آن حق نداشته موسیقی غربی گوش کند و مادرش صفحه‌های مربوط به تونی گاردنر - خواننده آمریکایی - را مخفیانه می‌خریده و گوش می‌کرده. در واقع ما به واسطه این دو شخصیت و فرهنگ متفاوت با یک تقابل فرهنگی مواجه می‌شویم.

با توجه به اینکه داستان‌های «شبانه‌ها» مملو از اصطلاحات و آلات موسیقی و شیفتگی به این هنر است، آیا می‌توانیم، بگوییم دوستداران موسیقی لذتی دو چندان از کتاب می‌برند؟

فکر می‌کنم شیفتگان موسیقی از این کتاب لذت می‌برند. خود من به همین دلیل به شبانه‌ها علاقه‌مند شدم. تا حالا چنین مجموعه داستانی ندیده بودم. شناخت او از موسیقی توجه هر خواننده دوستدار موسیقی را جلب می‌کند.

شما رمان دیگری را به تازگی توسط انتشارات کتاب پارسه منتشر کرده‌اید با نام «دختری از پرو». رمانی از ماریو بارگاس‌یوسا برنده نوبل ادبی. این رمان را پیش از برنده شدن یوسا ترجمه کردید؟

بله. آخرین رمانش تا آن زمان بود که در سال ۲۰۰۶ منتشر شده بود.

چه شد که سراغ او رفتید؟ چون مستقیم به سراغ یک شخصیت زن رفته است؟

یوسا از نویسندگان مورد علاقه من است. اما تا آن موقع تقریبا هیچ کتابی از او نمانده بود که ترجمه نشده باشد. بنابراین ترجیح دادم اثری را برگردانم که تا آن زمان ترجمه نشده باشد. یوسا قصه‌گوی بسیار ماهری است و بیشتر شهرت او به همین دلیل است. هرکسی تحت تاثیر رمان‌هایش قرار می‌گیرد. رمان «دختری از پرو» تحت تاثیر «مادام بواری» فلوبر نوشته شده است. یوسا کتابی هم دارد که به‌طور مستقل درباره مادام بواری است. شخصیت رمان یوسا بسیار مبالغه‌آمیز و پررنگ است. حتی بیش از مادام بواری. او شخصیتی است پلید، زیبا و جاه‌طلب که از هیچ کاری روی‌گردان نیست و حاضر است همه اخلاقیات را زیرپا بگذارد تا به آنچه می‌خواهد دست پیدا کند. او مرد داستان را به شدت تحقیر می‌کند و همه جا به دنبال خودش می‌کشاند. مردی که از جوانی عاشق اوست و این عشق تا پیری ادامه پیدا می‌کند.

آیا نگاه سیاسی خاص یوسا که در اغلب آثارش نمود دارد، در این رمان هم محوریت دارد؟ آیا سراغ نظام‌های توتالیتری هم رفته یا اینکه بیشتر به قصه‌ای عاشقانه و تراژیک پرداخته است؟

آنچه واضح است اینکه رگه‌های سیاسی این رمان نسبت به آثار قبلی یوسا کمرنگ‌تر است، ولی چون وقایع رمان طی حدود ۴۰ سال می‌گذرد، ناگزیر پای مسایل تاریخی و سیاسی هم به میان می‌آید. راوی داستان، جوانی اهل پرو است که دوست دارد در فرانسه زندگی کند. او سرانجام خودش را به پاریس می‌رساند، ولی از آنجا که دختر را دیوانه‌وار دوست دارد و دختر هم دایم در سفر است، به دنبالش کشیده می‌شود و از خیلی جاها سر درمی‌آورد. در این دوران دهه‌های پرسروصدایی مثل ۱۹۶۰ فرانسه با آن فضای روشنفکری چپ‌زده و تحت تاثیر سارتر و کامو پشت سر گذاشته می‌شود. بعد هم از دوران هیپی‌ها عبور می‌کنیم. با این حال «دختری در پرو» از معدود رمان‌های یوساست که کمتر به جنبه‌های سیاسی نظر داشته و بیشتر به وجه روانکاوانه و تراژیک قصه پرداخته است.



نکته

ادبیات نویسندگان آمریکای لاتین در تمام دنیا مخاطب دارد. همه بر این باورند که یوسا پیش از اینها باید برنده جایزه نوبل می‌شد. مارکز هم همین‌طور. ضمن اینکه معلوم نیست چرا کارلوس فوئنتس تا حالا این جایزه را دریافت نکرده است

این کتاب، رمان پرشور و سرزنده‌ای است؛ پر از حس و حال‌های عاشقانه و رمانتیک و در عین حال تراژیک. خود شما این رمان را در قیاس با سایر آثار یوسا در چه جایگاهی ارزیابی می‌کنید؟

او رمانی به نام «جنگ آخرالزمان» دارد که همیشه دوست داشتم آن را ترجمه کنم. البته «سور بز» هم عالی است که عبدالله کوثری ترجمه فوق‌العادی از آن ارایه داده. ولی باید بگویم اینها هیچ کدام با هم قابل قیاس نیستند. «دختری از پرو» نوع دیگری از رمان است. قبول دارم که مایه‌های اجتماعی و سیاسی «جنگ آخرالزمان» و «سور بز» بسیار کمیاب است، ولی «دختری از پرو» هم در نوع خودش کمیاب است.

چرا یوسا نویسنده مهمی است؟

اصولا ادبیات نویسندگان آمریکای لاتین در تمام دنیا مخاطب فراوان دارد. همه بر این باورند که یوسا پیش از اینها باید برنده جایزه نوبل می‌شد. مارکز هم همین‌طور. ضمن اینکه معلوم نیست چرا کارلوس فوئنتس تا حالا این جایزه را دریافت نکرده است. اینها نویسندگان سطح بالایی هستند که وقتی شروع به کار کردند، قصد داشتند ادبیاتی خلق کنند که خاص آمریکای لاتین باشد. موفق هم شدند. جدا از محتوا و سبک نگارش، آثاری یک سر و گردن بالاتر از نقاط دیگر دنیا عرضه کردند.

به نظر شما که یک مترجم زن یا خواننده زن ادبیات هستید، یوسا چقدر توانسته است روحیات، علایق و ذهنیات یک زن را در «دختری از پرو» ترسیم کند؟

یک نکته جالب در مورد رمان این است که شما نام شخصیت زن را تا اواخر داستان متوجه نمی‌شوید. او را فقط دختر بد خطاب می‌کنند. این دختر از خانواده فقیری بوده و اسمش را هم دوست نداشته و مرتب نام خود را تغییر می‌داده و می‌خواسته از محیطی که در آن به دنیا آمده بوده، فرار کند و خودش را به کسی دیگر تبدیل کند. در تمام رمان شاهدیم که او به هر چیزی متوسل می‌شود تا به هر آنچه می‌خواهد برسد. اما رمان از نگاه مرد (ریکاردو) روایت می‌شود و اوست که دختر بد را توصیف می‌کند. شاید باید این اثر و شخصیت دختر را با «مادام بواری» مقایسه کرد و به نحوه شخصیت‌پردازی یوسا پی برد. با این حال بسیار شگفت‌انگیز است که یک نویسنده مرد به این زیبایی درونیات و احساسات زن را نمایش می‌دهد.

آیا قصد دارید باز هم از ماریو بارگاس یوسا ترجمه کنید؛ با توجه به اینکه مترجمان برجسته‌ای کتاب‌های او را به فارسی ترجمه کرده‌اند؟

من تاجایی که توانسته‌ام آثار ترجمه‌نشده یوسا را جمع‌آوری کرده‌ام. او کتابی دارد درباره برخی اقوام پرو. کسی که قبایلی را در جنگل‌های پرو پیدا و آداب و رسومشان را واکاوی می‌کند. می‌توان گفت بیشتر وجهی مستند و مردم‌شناسانه دارد. در ضمن فراموش نکنید که بعضی از رمان‌های او اصلا در ایران قابل انتشار نیستند. مثل رمان «راه بهشت» که البته در کمال تعجب شنیدم منتشر شده است. همین رمان «دختری از پرو» چند مورد ممیزی داشت و مجبور شدیم به جای کلمات از نقطه‌چین استفاده کنیم. البته سانسورهای این کتاب لطمه چندانی به کلیت رمان نمی‌زد ولی برخی آثار او را اصلا نباید ترجمه کرد. «راه بهشت» درباره زندگی گوگن است و اصلا نمی‌توانم باور کنم که اینجا منتشر شده است.

آیا پیش از ترجمه رمان یوسا، سعی کردید ترجمه‌های دیگری را که از این نویسنده منتشر شده، بخوانید؟

من هیچ وقت ترجمه نمی‌خوانم. اصولا چنین کاری را هم پیش از ترجمه یک کتاب هم نخواهم کرد. این رمان را از زبان فرانسه ترجمه کردم که تا حدی به اسپانیولی نزدیک است. هر کس در ترجمه سبک خودش را دارد. من نمی‌خواهم با مطالعه ترجمه دیگران از یک نویسنده تحت تاثیر سبک آنها قرار بگیرم. ضمن اینکه تا وقتی می‌شود زبان اصلی خواند، چرا باید سراغ ترجمه بروم.

با خود یوسا چطور؟ سعی نکردید با او ارتباط برقرار کنید؟

خیر. ارتباطی با او نداشتم. یک‌بار وقتی از پل استر ترجمه می‌کردم با ناشرش صحبت کردم. این کارها را ناشر باید انجام دهد. وقت این جور کارها را ندارم. من سریع می‌خوانم و ترجمه و همزمان تایپ می‌کنم.

آن‌سوی آب

جرقه‌ای برای یک یونان مستقل و قوی

کتاب جدید مبارز قدیمی یونانی



محمود فاضلی

■ بار دیگر کتابی از میکیس تئودوراکیس موسیقیدان برجسته یونانی روانه بازار کتاب یونان شد. در مراسم رونمایی این کتاب که در محل این کتابفروشی برگزار شد، علاوه بر تئودوراکیس تعدادی از هنرمندان، نویسندگان، استادان دانشگاه و پژوهشگران این کشور حضور داشتند. این کتاب شامل سخنرانی و مصاحبه‌های نامبرده در سال‌های اخیر است. در مراسم رونمایی از کتاب آقای کاسیماتیس یکی از استادان دانشگاه اعلام داشت این کتاب نشانگر دیدگاه‌ها و لحظات حساس سیاسی کشور مشکلات، لحظات سخت و تراژیک و بحران جدی که جامعه، دولت یونان و جامعه یونانی با آن روبه‌رو شده را شامل می‌شود. تئودوراکیس در بخشی از سخنانش تاکید دارد «این جرقه را من ایجاد کرده‌ام و امیدوارم دیگران آن را ادامه دهند». او شهروندان کشورش را به «نافرمانی» در برابر تصمیمات دولت سوسیالیست حاکم که به گفته او متاثر از ایالات متحده، صندوق بین‌المللی پول و اتحادیه اروپا است و حاکمیت ملی کشورش را نادیده گرفته‌است، دعوت کرد. به گفته وی جرقه به شعله‌ور شدن و آتش پاک‌کننده تبدیل خواهد شد. او که در دو سال گذشته از منتقدان جدی سیاست‌های ریاضتی اقتصادی دولت بوده مدعی است «مبارزات مردم یونان برای استقلال فراموش شده است». به‌گفته وی سیاستمداران کشورش از سال ۱۹۷۴ در سراشیبی لغزنده قرار گرفته‌اند. او وزرای بی‌تجربه کشورش، نخست‌وزیر و تیم اقتصادی‌اش را مورد انتقاد قرار داده و معتقد است سیاست‌های نظارتی و سختگیرانه از سوی صندوق بین‌المللی پول و اتحادیه اروپا به فقیرتر شدن جامعه یونان و نفوذ قدرت‌های خارجی در کشورش منجر شده است. وی که یکی از مخالفان سیاست‌های آمریکا در یونان است، تاکید کرد: «هم اکنون منافع آمریکا بالاتر از منافع مردم یونان است و دولت کنونی مسوول اصلی چنین شرایطی است». او ایجاد یک شورای ملی متشکل از احزاب و شخصیت‌های برجسته کشور را تنها راه خروج یونان از بحران کنونی می‌داند. وی با اشاره به وضعیت اقتصادی یونان ابراز امیدواری کرد: «دولت کنونی به‌جای گرفتن وام‌های خارجی از اروپا و ایالات متحده آمریکا که وابستگی بیشتری به دنبال دارد، در پی پیشنهاد سرمایه‌گذاری مشترک مفید برای اقتصاد یونان باشد. چرا که تصمیمات سیاسی و تکیه بر مراکز اقتصادی بین‌المللی نوعی تهدید تاریخ، سنت‌ها، زبان و فرهنگ محسوب می‌شود. هم اکنون اکثریت مردم یونان قربانی تصمیمات بین‌المللی قدرت‌های مالی جهان شده‌اند، اما ملت یونان نشان داده قادر است در هر آزمونی با مقاومت و مبارزه سربلند بیرون آید». تئودوراکیس که در ۲۹ جولای سال ۱۹۲۵ در یونان به دنیا آمد در میان مردم کشورش جدا از حرفه‌اش در زمینه آهنگسازی، فعالیت‌های سیاسی‌اش همیشه مورد توجه بوده و در برهه‌ای از زمان به‌دلیل فعالیت‌های سیاسی، موسیقی و فعالیت وی در کشورش ممنوع بود. موسیقی و سیاست عناصری ناگسستنی در آثار تئودوراکیس است. این موسیقیدان برجسته یونانی در ۱۸ سالگی در جریان جنگ دوم جهانی به جنبش مقاومت کشورش علیه اشغالگران آلمان و ایتالیا پیوست که در جریان جنگ داخلی یونان در سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۹ نیز در جرگه فعالان سیاسی بود و در جبهه چپ نیروهای سیاسی یونان ایستاد که در آن دوران بارها زندانی یا روانه تبعید شد. او در سال ۱۹۶۳ به صورت رسمی وارد سیاست شد و حزب جوانان دموکراتیک را بنیان نهاد؛ اما زمانی که دیکتاتوری نظامی در یونان شکل گرفت، وی در سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۴ دستگیر شد و مورد شکنجه قرار گرفت و حتی گوش‌دادن به آثار وی نیز ممنوع شد. تئودوراکیس به دلیل فشارهای داخلی و دستگیری‌های متعدد در نهایت از کشور تبعید شد. تئودوراکیس اقامت در پاریس را انتخاب کرد و آنجا بود که با کنسرت‌هایش که در راه آزادی و حقوق بشر بود، توانست خود را به عنوان یک هنرمند فعال در راه صلح جهانی و به عنوان سمبل موسیقی یونان به همگان معرفی کند. تئودوراکیس در دو دهه گذشته هرساله کنسرت‌های متعددی را در سراسر جهان و بر اساس اهداف صلح‌جویانه برگزار کرد که از میان آنها می‌توان به کنسرت سال ۱۹۹۳ با عنوان موسیقی بدون مرز و با هدف برقراری صلح میان یونان و مقدونیه اشاره کرد. وی به همراه «زولفو لیوانلی» موسیقیدان و یکی از فعالان سیاسی ترکیه «انجمن صلح یونان و ترکیه» را بنیان گذاشت. او که در سال‌های اخیر به دلیل کهولت سن کمتر به اجرای موسیقی پرداخته است، بارها نسبت به تحولات داخلی کشورش موضع‌گیری کرد و سیاست‌های هر دو حزب یونان را در موضوعات اقتصادی و اجتماعی مورد انتقاد قرار داد. وی مدعی است «آمریکایی‌ها با ایجاد بحران اقتصادی جهانی تلاش دارند خسارت‌هایی را نیز به یونان وارد کنند.» تئودوراکیس همچنین درعرصه بین‌المللی سیاست‌های آمریکا و اسراییل در منطقه را مورد انتقاد قرار می‌دهد. وی چندی پیش در واکنش به سفر چند نفر از مقامات سازمان‌های صهیونیستی آمریکا به یونان را محکوم کرد و ضمن انتقاد از دولت سوسیالیست یونان به خاطرات همکاری‌اش با صهیونیست‌ها در جریان سفر نتانیاهو به این کشور، خواستار بازداشت وی به دلیل ارتکاب جنایات هولناک در نوار غزه و لبنان شد.



جرقه‌ای برای یک یونان مستقل و قوی
میکیس تئودوراکیس
ناشر: ایونس یونان
چاپ اول: ۲۰۱۱